



نگاهی به وضعیت رشته
آبگینه هنری در ایران

جادوی خاک و آتش

گزارش

سعیده احسانی‌راد
خبرنگار

جشنواره هنرهای تجسمی فجر امسال در یک اقدام ویژه برخلاف سال‌های گذشته میزبان هنرمندان صنعت آبگینه بود. از آنجایی که شیشه، محصولات و آثار هنری مرتبط با آن زیرمجموعه و به نوعی فرزند سرامیک است، با برگزاری جلسات تخصصی متعدد و نظر شورای سیاست‌گذاری مقرر شد استعدادها و توان هنری این گروه از هنرمندان متخصص در جشنواره هنرهای تجسمی فجر پذیرفته شود. آبگینه ریشه‌دارترین صنعت دست ایرانی هاست که به شیشه‌گری معروف است. هنر شیشه‌گری حاصل جادوی خاک و آتش است که از ۵ هزار سال پیش همزمان با بین‌النهرین، عراق و لبنان در ایران متولد شد و نمونه‌های قدیمی و باستانی آن در موزه آبگینه نگهداری می‌شود.

سعید گلکار طراح آثار شیشه‌گری با تجربه ۳۳ سال طراحی آثار هنری و ۲۸ سال تدریس در دانشگاه‌های تهران، اصفهان و سوهره و همچنین ۱۴ سال مدیریت موزه آبگینه و سفالینه تهران که تحولی بدیع در هنر شیشه‌گری کشور به وجود آورده است. او در گفت‌وگو با «ایران» درباره پیشینه هنر آبگینه در ایران می‌گوید: «شیشه‌گری در ایران قدمت طولانی دارد و آثار شیشه‌ای از دوران تاریخ ایران باستان و هخامنشی در موزه آبگینه و موزه ایران باستان به چشم می‌خورد. در دوره اشکانیان شیشه‌سازی بصورت دم و



رفت و دوران طلایی شیشه در ایران رقم خورد، بعد از ظهور اسلام در قرن ۵ شیشه‌گری خاص در منطقه نیشابور را شاهد هستیم و در دوره سلجوقی هنر شیشه‌گری به اوج رسید.»

تغییر شیوه کار شیشه‌گری
گلکار درباره روش‌های هنر شیشه‌گری در دوران معاصر این‌طور توضیح می‌دهد: «در حال حاضر شیوه‌های سنتی دمیدن در شیشه هنوز رایج است با این تفاوت که مواد اولیه بهتر در اختیار شیشه‌گران است، کارگاه‌هایی که در زمینه شیشه هنری دست‌ساز کار می‌کنند محدود است و بیشتر کارگاه‌های شیشه لوازم مصرفی برای خانه‌ها تولید می‌کنند.»

فراموشی و گرایش کم به رشته شیشه‌گری

به اعتقاد این هنرمند، سختی‌های کار شیشه‌گری در گرایش و فراموشی این رشته تا حدی تأثیر گذاشته است به طوری که جوان‌ها به رشته‌های دیگر هنری که روش‌های ساخت راحت و آسان دارند روی می‌آورند مثل سفالگری که می‌توان با یک چرخ در اتاق کار کرد ولی راه‌اندازی کارگاه شیشه به دلیل آلودگی‌های محیط زیستی در داخل شهرها منع دارد و بیشتر کارگاه‌ها را

ندارند به خاطر این موضوع آموزش در دانشگاه‌ها باری به هر جهت است، دانشجویی اگر علاقه داشته باشد به کارگاه‌های شیشه‌گری می‌رود و آموزش می‌بیند. دانشگاه‌ها در این رشته ضعیف هستند و دانشجوی تربیت نمی‌کنند.»

تهران، شهر کارگاه‌های شیشه‌گری
بیشتر کارگاه‌های شیشه‌گری در تهران متمرکز است، به گفته گلکار تهران فقط کارگاه‌های شیشه هنری دارد و در اصفهان و شیراز کارگاه‌های شیشه‌گری بصورت محدود و پراکنده فعالیت دارند. این استاد شیشه‌گری با ابراز خرسندی از اضافه شدن رشته آبگینه هنری به جشنواره هنرهای تجسمی، بیان می‌کند: «حضور هنرمندان شیشه‌گر به رقابت‌های جشنواره هنرهای تجسمی اتفاق خوبی است ولی گذراست و موضوعی که باید به جدیت پیگیری شود آموزش این رشته در دانشگاه‌هاست تا دانشجویهای علاقه‌مند به ساخت آبگینه



هنری در فضای خاص دانشگاه‌ها آموزش ببینند، اصلاً برای شیشه باید دانشگاه اختصاصی ایجاد شود مثل دانشگاه تبریز که رشته شیشه را راه‌اندازی کرد.» هنر شیشه‌گری برای اینکه به سرآشپزی سقوط نرسد نیاز به ابداع دارد، گلکار در این باره می‌گوید: «در کارگاه‌های هنر شیشه‌گری هنرمندان ابداعاتی دارند اما امکانات اولیه رشته شیشه‌گری ضعیف است و برای صادرات حمایت نمی‌شود، بعد از تحريم‌ها صادرات خیلی محدود شد، ترکیه کشور همسایه ما برای رونق صادرات انبیا شیشه‌ای، کار هنرمندان را به قیمت مناسب می‌خرد و صادر می‌کند تا صادرات شیشه‌گری از رونق نیفتد.»

گلکار در پاسخ به این سؤال که وجود موزه‌هایی مثل آبگینه چقدر می‌تواند به حفظ این رشته کمک کند، می‌گوید: «زمانی که مدیر موزه آبگینه بودم کارگاه تراش شیشه را راه‌اندازی کردم. افراد زیادی بعد از شرکت در این کارگاه به سراغ تراش شیشه رفتند و به کارهای جنبی و تکمیلی این هنر روی آوردند قطعاً وجود موزه آبگینه به حفظ و ماندگاری هنر آبگینه کمک زیادی می‌کند.»

تولید سرامیک فعال نیستم ولی کسانی که در این رشته کار می‌کنند از بازار کار راضی هستند، این رشته به امکانات و فضای بزرگ نیاز ندارد و می‌توان با یک چرخ و کوره‌های سفالی تولید و وارد بازار کرد. یک سفالگر باید کوره‌اش همیشه همراهش باشد چون وقتی کاری را با دست یا چرخ می‌سازد جابه‌جا کردنش کاردرستی نیست و می‌تواند باعث آسیب کار شود.

وی وسواس و ظرافت در کار سفالگری را شرط موفقیت یک سفالگر می‌داند و می‌افزاید: هر چقدر کار تمیز و با وسواس و دقت باشد بیشتر مورد پسند قرار می‌گیرد. سفالگر انرژی و وجودش را برای ساخت یک شیء سفالی به کار می‌بندد و به سختی می‌تواند روی کارش قیمت‌گذاری کند.

پوریوسفی درباره سبک کارها در رشته سرامیک می‌گوید: به‌طور قطع نمی‌توان گفت سبک کارها سنتی است یا معاصر، سفالگر بسته به فضای ذهنی‌اش اثری را تولید می‌کند مثلاً من کاری که به جشنواره بردم براساس کارهای تاریخی منطقه مارلیک گیلان است و طرح‌هایم حلقه حلقه و دونات مانند است. روش پخت هم قدیمی بود تا حال و هوای آن دوره را بگیرد. وی جشنواره هنرهای تجسمی را فرصت خوبی برای جمع شدن هنرمندان حوزه‌های مختلف هنرهای تجسمی می‌داند و می‌گوید: این جشنواره محل تبادل تجربیات بین هنرمندان برجسته است و دانشجویان هنرمندان تازه کار است و تجربیاتی که این افراد به دست می‌آورند در فضاهای دیگر کمتر به چشم می‌خورد.



راه اندازی
کارگاه شیشه
در دانشگاه‌ها
سخت است،
فرستادن
دانشجویان
به کارگاه‌های
شیشه‌گری
هم هزینه
دارد که

توان تامین
هزینه‌ها را
ندارند بخاطر
این موضوع
آموزش در
دانشگاه‌ها
باری به هر
جهت است



قدمت کشف
آثار سفالی
در ایران به
چند هزار
سال پیش
می‌رسد،
ایران با وجود
پیشینه قوی
در این رشته
در همه
دوره‌های
تاریخی در
زمینه سفال
حرف برای
گفتن داشته
است



گفت‌وگو با برنده جایزه طوبای زرین
رشته سرامیک

کوره سفالگر همیشه همراهش است

اقلیم هزار رنگ ایران در کنار نکتز فرهنگی بی‌بدیل این سرزمین، بستری یگانه و بی‌همتا به‌منظور ظهور آثار درخشان هنری فراهم ساخته است. در گوشه و کنار این بوم، سفال قابلیت‌های منحصر به فردی برای هنرآفرینی دارد. یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین دست‌ساخته‌های هنری بشر است که از آغاز کار سفالگری تاکنون همچنان پایدار مانده است و در دوره معاصر به نام

یادداشت

آموزش شیشه‌گری باید از هنرستان شروع شود

ایران با پیشینه ۵ هزار ساله در هنر شیشه‌گری در کنار مصر، رم و فینیقی‌ها قرار گرفته و جزو پیشگامان این صنعت و هنر بشمار می‌آید. نمی‌توان اثبات کرد که کدام یک ابتدا به شیشه دست یافتند؛ اما بنظر می‌رسد

که ایران منطقه‌ای است که بدلیل داشتن سرامیک، زودتر به شیشه دست پیدا کرده است. شیشه و سرامیک بدلیل شباهت در مصالح از یک خانواده محسوب می‌شوند. با نگاهی به شیشه‌های ابتدایی، انگار یک سرامیست کارکرده که در آن زمان هنوز به دانش دمیدن در شیشه دست پیدا نکرده بودند، سرامیک‌ها را با قالب درست می‌کردند و در مواد اولیه آن شیشه می‌ریختند.

در ایران، اشیای شیشه‌ای طی دوره‌های مختلف وجود داشته است؛ از جمله در جرجان و نیشابور. بعد از اسلام نیز شاهد رشد چشمگیر شیشه در کشورمان بودیم. مواد اولیه شیشه‌گری برخلاف سفال در دسترس نبود؛ بنابراین کشور باید برای پیشرفت در هنر شیشه به ثبات می‌رسید. آنچه که نیازمند تأمین مواد اولیه و کوره برای ساخت آن بود.



از آنجا که تأمین این مواد در آن دوران از سوی یک یا چند سرمایه‌گذار ممکن نبود، بنابراین حمایت دربار و شاه را می‌طلبید. با نگاهی عمیق به تاریخ از ساسانیان تا قاجار، متوجه حضور و آمدن شیشه‌گرانی از فرانسه و بلژیک به ایران می‌شویم؛ کسانی که به رشد صنعت شیشه در ایران کمک کرده‌اند. اما طی ۱۰۰ سال اخیر متوجه کمزنگ شدن نقش دولت‌ها در رشد صنعت شیشه می‌شویم؛ آنچه که فقط به جنبش‌های هنری محدود و باعث شد هنر شیشه‌گری مسیرش را به‌کنندگی طی کند. بنابراین ما از مسیری که دنیا به‌منظور توسعه این صنعت دنبال کرد بازماندیم.

اسما از بهترین رویدادهایی که در صنعت شیشه‌گری در ایران رخ داد، می‌توان به تأسیس موزه آبگینه اشاره کرد. آنچه که گذشته هنر شیشه‌گری ایرانی را به تصویر می‌کشد. بعدها برای رشته شیشه‌گری دانشگاه ایجاد شد که البته کار اشتباهی بنظر می‌رسد. این رشته در ابتدا نیاز به هنرستان و استعدادیابی اولیه میان متقاضیان داشت؛ جهشی که بدون مطالعه انجام شد و نتیجه معکوسی به بار آورد. زیرا از سال ۱۳۸۶ با ایجاد رشته دانشگاهی شیشه، اتفاق خاصی روی نداد و متخصصی در زمینه شیشه‌گری تربیت نشد که به آن بایلم. مسیر دومی که در شیشه‌گری طی شد، بیشتر شیشه را تحت انحصار ظروف ایرانی درآورد. یعنی فکر کردیم شیشه حتماً باید کاربرد فیزیکی داشته باشد؛ مثل گلاب پاش و پارچ، اما دنیا بعد از ۱۹۶۰ به شیشه نگاه دیگری انداخت و متریال محور شد. به این صورت که شیشه را در فضاهای مختلف دیگری آزمایش و استفاده کردند که نمونه بازار آن، لوسترو و لایتینگ است.

شیشه در گذر تاریخ امروزه بیشتر در لایتینگ نقش بازی می‌کند که علاوه بر درآمدزایی، دارای ایده‌پردازی نیز هست. در کشور ما هم لایتینگ طی ۸ سال اخیر رشد کرده، ولی چون ۹۰ درصد کپی است و بیشتر در منزل افراد متمول به چشم می‌خورد، از نظر‌ها پنهان مانده است. آنقدر که عکسی از این هنر ایرانی در فضای مجازی وجود ندارد؛ در حالی که در کشورهای غربی این هنر در قالب تندیس‌هایی در معرض دید قرار می‌گیرد. هنر شیشه اگر بخواهد در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشد باید خودشناسی کند که چه بوده و بعدها چه می‌خواهد انجام دهد. در ایران متأسفانه ریشه‌یابی پیرامون این هنر درست صورت نگرفته است. در هنرستان شیشه‌گری علمی و آزمایشگاهی را یاد گرفتیم چون با روحیاتم سازگار نبود بعد از هنرستان وارد کار هنری شیشه شدم و دغدغه‌های شخصی مود باعث شد تا شیشه را در فضاهای دیگر هنری استفاده کنم.

اسما اگر بخواهیم شیشه مثل متریال‌های دیگر دیده شود چه کار باید کنیم؟ اول اینکه آموزش درست را از هنرستان شروع کنیم، آموزش تجربی در کارگاه همراه با آموزش تئوری باشد. تا وقتی که متریال شناخته نشود امکان ایده‌پردازی نیست حتی اگر ایده‌پردازی کنید اجرا شدنی نیست. نیروی متخصص در هنر شیشه‌گری باید در هنرستان تربیت شود، مشکل شیشه ایران صادرات نیست، شیشه ایران کیفیت و طراحی بازار کشورهای دیگر را ندارد ما حتی توان رقابت با کشور ترکیه را نداریم در طراحی ایرادهای وحشتناک است چون تکنیک‌ها را بلد نیستیم و نمی‌توانیم شیشه را به فضاهای دیگر مثل طراحی و معماری ببریم.

هنر شیشه ایران به دلیل کیفیت پایین مشتری‌هایی از قشر پایین و ضعیف دارد و مخاطب این هنر قشر متوسط رو به بالا ندارد.

حماس حسینی
شیشه‌گر، طراح
و دبیر علمی
طراحی آبگینه
۱۴۰۰